

درس نهم: ترجمه الفعل المضارع (۲) (مضارع مجزوم) یازدهم مستدرک

در این درس با گروه دیگری از حروف آشنا می شویم که باز هم مخصوص فعل مضارعند و وقتی قبل از آن ها بیایند، هم ظاهر این افعال را تغییر می دهند هم ترجمه ایشان را. اسمشان حروف جازمه (جزم دهنده) است: لم، لا، لا

-ظاهرشان: ضمّه ی آخر فعل به ساکن تغییر پیدا می کند و نون ها هم حذف می شوند؛ باز هم جمع های مؤنث ثابت قدم می مانند!!

مانند: لم یکتب° ، لا تکتب° ، لا ُکتب° ، لا تکتب° ، لم یکتبا ، لا یکتبا ، لا یکتبا ، لم تکتبا ، لا تکتبا ، لا تکتبی
 نوشت ، نویس ، باید بنویسم ، نباید بنویسم ، لم یکتبن (ننوشتند) ، لم تکتبن (ننوشتید)

-ترجمه ایشان:

هر کدام از این حروف معنای جدیدی به فعل می دهند که به تفصیل بیان می کنیم:

۱. **لم** : شرط صیغه ندارد و می تواند سر تمام صیغه ها و اشخاص فعل مضارع بیاید.

ترجمه ی فعل مضارع را ترجیحاً به ماضی ساده ی منفی و گاهی به ماضی نقلی منفی تبدیل می کند.

لم یکتب° : نوشت، ن نوشته است ؛ لم تکتب° : نوشتی، ن نوشته ای

لم تکتبا : نوشتید، ن نوشته اید ؛ لم تکتبی : نوشتی، ن نوشته ای

لم اکتب° : نوشتم، ن نوشته ام ؛ لم تکتب° : نوشتیم، ن نوشته ایم

۲. **لا** : فقط با اول شخص های مفرد و جمع و سوم شخص های مفرد و جمع می آید (وبا دوم شخص نمی آید).

ترجمه: "باید" + مضارع التزامی

لیکتب° : باید بنویسد ؛ لیکتبا : باید بنویسند ؛ لا ُکتب° : باید بنویسم ؛ لا تکتب° : باید بنویسید ؛ لا تکتبی : باید بنویسم ؛ لا تکتبا : باید بنویسید ؛ لا تکتبی : باید بنویسید (برای هی)

لیکتب° : باید بنویسد (برای هی)

۳. **لا ی** : شرط صیغه ندارد و می تواند سر تمام صیغه ها و اشخاص فعل مضارع بیاید، اما در ترجمه متفاوت است:





جمع بندی: انواع لـ

- حرف جر: بر سر اسم می آید و به معنی "برای"، "مال"، "از آن"، "داشتن" است. للكتاب، للاستماع، له، لنا، لهذا، للتي و ..
- حرف ناصبه: بر سر تمام صیغه های فعل مضارع می آید و به معنی "برای این که" و "تا این که" و .. است.
ذَهَبْتُ إِلَى السُّوقِ لِأَشْتَرِيَ كِتَابًا. به بازار رفتم برای این که کتابی بخرم.
- حرف جازمه: بر سر اول شخص ها و سوم شخص های فعل مضارع می آید و به معنی "باید" است.
لِأَذْهَبَ إِلَى الْمَكْتَبَةِ. باید به کتابخانه بروم.

****توجه:** فرق اصلی لام ناصبه و جازمه این است که لام ناصبه دلیل کاری را بیان می کند و در جمله باید اتفاقی افتاده باشد یا بیفتد و با این لام دلیل آن کار بیان شود، اما لام جازمه دلیل کاری نیست. مانند مثال های بالا: دلیل به بازار رفتن، خرید کتاب است.



فرق لای نفی و لای نهی

هر دو می توانند سر تمام صیغه های فعل مضارع بیابند، اما فرق هایی دارند:

۱. لای نفی: وقتی سر فعل مضارع می آید، ظاهر فعل هیچ تغییری نمی کند و فقط ترجمه اش منفی می شود. مانند:

یَکْتُبُ: می نویسد؛ لایَکْتُبُ: نمی نویسد
هَما تَکْتُبانِ: آن دو می نویسند؛ هَما لا تَکْتُبانِ: آن دو نمی نویسند
أنتَ تَکْتُبُ: شمامی نویسی؛ أنتَ لا تَکْتُبُ: شما نمی نویسید
أنا أَکْتُبُ: من می نویسم؛ أنا لا أَکْتُبُ: من نمی نویسم

۲. لای نهی: وقتی سر فعل مضارع می آید، هم ظاهر فعل تغییر می کند، هم ترجمه اش (بالا در مورد ترجمه ی فعل نهی گفته شد).

تغییر ظاهری فعل این است که آخرش ساکن می گیرد، نون ها هم (غیر از جمع های مؤنث) حذف می شوند. مانند:
یَکْتُبُ: می نویسد؛ لایَکْتُبُ: نباید بنویسد
هَما تَکْتُبانِ: آن دو می نویسند؛ هَما لا تَکْتُبا: آن دو نباید بنویسند
أنا أَکْتُبُ: من می نویسم؛ أنا لا أَکْتُبُ: من نباید بنویسم

حقیقی

